

شرایط استعجابت دعا

پروردگار شما گفته است : مرا بخوانید تا خواسته هایتان را اجابت کنم و برآورده نمایم . همانا کسانی که از عبادت من (درخواست و سؤال از من) سرباز می زنند و سرکشی می کنند ، به زودی با ذلت و خواری وارد دوزخ می شوند . خداوند در این آیه شریفه به صراحت اعلام می دارد که هر که مرا بخواند و از من چیزی بطلبد ، دعایش را می پذیرم و به استعجابت می رسانم و حاجتش را برآورده می کنم . سپس تاکید می کند که هر کس از دعا کردن سرپیچی و عصیان کند و از سؤال و نیایش به درگاهم تکبر نماید و مرا نخواند ، او را با ذلت به جهنم افکنم .
واژه عبادت که در این آیه آمده است ، مقصود از آن به فرموده امام باقر علیه السلام دعا است ، زیرا برترین و با فضیلت ترین عبادت و بندگی خدا ، دعا و سؤال از درگاه اوست . از امام باقر علیه السلام سؤال می شود: کدام عبادت افضل است ؟ می فرماید : چیزی نزد خدای عزوجل برتر از دعا نیست که از او سؤال و درخواست کنند و آنچه را نزد اوست از او بخواهند و هیچ کس نزد خدا دشمن تر نیست از کسی که در عبادت و پرستش ذات مقدسش گردنکشی کند و آنچه را نزد او است درخواست ننماید پرسشی که به نظر می رسد این است که با این صراحت بیان آیه مبارکه در استعجابت دعای مؤمنان ، چرا درخواست ها به استعجابت نمی رسد؟ در این باره مطالب جالب و زیادی در روایات معصومین علیهم السلام آمده که بهتر است بدون هیچ حاشیه ای از آنها استفاده کرد .

مهمترین شرایط استعجابت دعا، **مصلحت بودن** آن است . چه بسا کسی چیزی را از خدا بخواهد که به مصلحتش نیست و چون خدای عزوجل ارحم الراحمین است و به بندگانش لطف دارد، قطعاً مصلحت بنده اش را می خواهد و لذا اگر در حالی که مطلب درخواستی به مصلحت سؤال کننده نباشد ، به اجابت برسد ، قطعاً قبیح است و خدای سبحان از هر قبیحی منزّه است ، یا اینکه ممکن است مطلب درخواستی غیر ممکن باشد یا دارای مفسده ای – چه در کوتاه مدت و چه در دراز مدت – برای درخواست کننده باشد

یکی دیگر از شرایط استعجابت دعا این است که انسان به پیمانی که با خدا بسته است **وفادار** باشد . پیمان با خدا این است که در برابر احکام و اوامرش اطاعت کنیم و سر فرود آوریم و از دستورهای الهی سرپیچی ننمائیم ، در آن صورت اگر درخواستی کردیم ، بی گمان مورد استعجابت قرار می گیرد . شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: خدا می فرماید: «ادعونی استجب لکم » و با این حال ما هر چه دعا می کنیم به استعجابت نمی رسد؟! حضرت فرمود: روا نشدن دعاهايتان برای این است که شما به عهد و پیمان خود با خداوند وفا نمی کنید . خداوند می فرماید: «وفوا بعهدي اوف بعهدکم » به پیمان من وفادار باشید ، من هم به پیمانم وفا می کنم . «والله لو وفيتم الله لوفی لکم » به خدا قسم اگر وفا کنید ، خدا نیز وفا می کند .

شرایط دیگر استعجابت دعا، دانستن جهت و **روش دعا کردن** است . در روایتی که نویسنده کتاب «تورالتقلین » نقل کرده، راوی از امام صادق علیه السلام می پرسد: چرا دعای ما به استعجابت نمی رسد؟ حضرت می فرماید: باید روش دعا کردن را بیاموزید . سؤال می کند : روش چیست ؟ می فرماید: «تبدا فتحمد الله و تذكر نعمه عندک ثم تشکره ثم تصلى على النبى و آله ثم تذكر ذنوبک فتقر بها ثم تستعید منها ، فهذا جهة الدعاء» در آغاز دعا، خدا را ستایش می کنی و نعمتهایش را به یاد می آوری سپس شکر و سپاس می کنی و بر پیامبر و اهل بیتش درود می فرستی، سپس گناهات را یادآور می شوی و به آنها اعتراف می کنی و به خدا پناه می بری . این روش دعا کردن است . **امام صادق علیه السلام – طی روایت دیگری – می فرماید: هر که از خدا چیزی را بخواهد، پس باید در آغاز، بر محمد و آل محمد درود فرستد سپس حاجتش را بیان کند و بعد از آن دوباره با صلوات بر پیامبر و اهل بیتش ، سخنش را به پایان برساند . همانا خدای عزوجل کریم تر از آن است که دو طرف دعا را (که صلوات می باشد) بپذیرد و خود درخواست را که در وسط قرار دارد ، رها نماید .**

آخرین شرط استعجابت دعا **شناخت** است که شرط بسیار دشواری است . البته شناخت از شخصی با شخص دیگر تفاوت دارد . قطعاً شناخت واقعی نزد پیامبر و خاندان معصومش است و بس، ولی پهر حال هر کس باید تا اندازه ای خدا شناس باشد . در کتاب توحید از امام کاظم علیه السلام روایت شده که فرمود : گروهی از امام صادق علیه السلام پرسیدند : چرا خدا را می خوانیم و اجابتمان نمی کند ؟ فرمود : زیرا کسی را می خوانید که او را نمی شناسید . از خدای متعال خالصانه درخواست می نماییم خود را به ما شناساند «اللهم عرفنی نفسك » تا در این ایام و لیالی مبارک قدر که ایام دعا و استعجابت دعا است ، توفیق دعا کردن را بیابیم و با شناخت و معرفت خدا را بخوانیم و به خواست خداوند دعاهايمان به استعجابت رسد و مقبول درگاه ذات مقدسش قرار گیرد . آمین رب العالمین

امیرالمومنین در نگاه جورج جرداق

جورج جرداق مسیحی درباره این بزرگ مرد آقا امیرالمؤمنین علی (ع) می گوید:

در پیشگاه حقیقت و تاریخ برابر است چه این بزرگ مرد را بشناسی و چه نشناسی زیرا حقیقت و تاریخ گواهی می دهند که او عنصر بی پایان فضیلت، شهید و سالار شهیدان ندای عدالت انسانی و شخصیت جاودانه شرق است.
ای جهان چه می شد اگر همه نیروهایت را درهم می فشردی و در هر روزگاری شخصیتی مانند (آقا) علی (ع) با آن عقل و قلب و زبان و شمشیر نمودار می کردی اسلام علی (ع) مانند اسلام سایر مسلمانان در شرایط خاصی نبود، اسلام او از نهاد قلبش مانند جریان آب از سرچشمه جوشش داشت. نیایش هر یک از مسلمانان آن روز در آغاز برای بت های قریش بود اما نخستین نیایش علی (ع) در

برابر خدای محمد(ص) برگزار شد

شباهت یاران امام زمان علیه السلام و امام حسین علیه السلام (قسمت دوم)

یکی از موضوعات بایسته پژوهش، بررسی نقاط اشتراک و افتراق قیام امام حسین(ع) و امام زمان(عج) است. این دو قیام در برخی عناصر و مؤلفه‌ها، مشترک و در برخی شاخصه‌ها متفاوت هستند. یکی از نقاط اشتراک قیام امام حسین(ع) و امام زمان(عج)، ویژگی های مشترک یاران این دو امام است که ما در اینجا به آن می پردازیم.

۳. شجاعت: شجاعت عاشوراییان، ریشه در اعتقاد و باورهای آنان داشت؛ چراکه آنان، به شوق و عشقِ شهادت می جنگیدند، از مرگ، هراسی نداشتند و در برابر دشمن، سستی نشان نمی دادند. آنان یاران امامی بودند که مرگ در راه خدا را عزت می دانست. رشادتی که حضرت اباالفضل، مسلم بن عقیل، قاسم و دیگران از خود به نمایش گذاشتند، بیانگر آن است که آنان از شجاع ترین انسان ها بودند. شجاعت آنان به گونه ای بود که حتی سران سپاه دشمن، آنان را این گونه توصیف می کنند: «کسانی بر ما تاختند که پنجه هایشان بر قبضهٔ شمشیرها بود. آنان هم چون شیرانِ خشمگین، بر سواران ما تاختند و آنان را در چپ و راست، تار و مار کردند و خود را در کام مرگ افکندند».اهل بیت امام نیز به رغم آن که پس از شهادت مردان، به اسارت درآمدند، در برابر دشمن تسلیم نشدند و به گونه ای رفتار کردند که دشمنان را مستأصل نمودند. ابهت و شجاعت حضرت زینب علیها السلام در هنگام گفتگو با ابن زیاد، به حدی بود که وی از ایشان با عنوان «زن متکبر» یاد کرد. یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مردمانی دلیر و جنگاورند. عشق به خدا و امام، به آنان قوت بخشیده است؛ دل هایی چون پولاد دارند و از انبوه دشمن نمی هراسند. امام باقر علیه السلام در توصیف شجاعت یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «گویا آنان را می نگرم؛ سیصد و اندی مرد که بر بلندای نجف کوفه ایستاده اند و دل هایی چون پولاد دارند. ترس، از هر سو، به دل های دشمنانشان، سایه افکنده است. در سوارکاری و تیراندازی بی نظیر هستند. در میدان رزم، نشان شجاعت بر تن دارند و چون یاران پیامبر صل الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر، نشان ویژه بر سر نهاده اند»

۴. ایثار: ایثار به معنای فداکاری و تقدیم دیگران بر خود است. در کربلا، ایثار و فداکاری، به اوج خود رسید. اصحاب امام تا زنده بودند، به احترام خاندان نبوت، نگذاشتند کسی از بنی هاشم به میدان برود. بنی هاشم نیز تا زنده بودند، نگذاشتند گزندی به امام حسین علیه السلام برسد و امام علیه السلام نیز جان خویش را فدای دین کرد.

شب عاشورا پس از آن که امام، بیعت را از یاران خود برداشت، هر کدام از آنان، به شیوه ای اعلام فداکاری کردند و گفتند: « پس از تو، زندگی را نمی خواهیم و خود را فدای تو می کنیم». هنگام نماز ظهر، برخی از اصحاب، خویش را سپر تیرهای دشمن کردند تا امام، نماز خود را بخواند. عباس علیه السلام، با لب تشنه وارد فرات شد؛ اما به یاد تشنگی امام حسین علیه السلام آب ننوشید. زینب علیها السلام، پس از شهادت امام حسین علیه السلام، جان خویش را سپر بلای امام سجاد علیه السلام، قرار می داد و ... این صحنه ها و ده ها صحنهٔ دیگر که یکی از دیگری، زیباتر و پرافتخارتر است، در طول تاریخ، الفبای ایثار را به آزادگان آموخته است. ایثار، از ویژگی های بارز یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز هست. وحدت مقصد و خلوص نیت، دل های آنان را به هم پیوند داده و یار و غمخوار یک دیگر ساخته است. آنان برای دفاع از امام، خود را به رنج می افکنند و در بهره گیری از زیبایی های زندگی، دیگران را بر خود، مقدم می دارند.امام باقر علیه السلام می فرمایند: «در زمان قیام قائم، دوران رفاقت فرا می رسد. مردم به سراغ مالِ برادرانِ خود رفته و حاجت خویش بر می گیرند و هیچ کس، آنان را منع نمی کند». در روایات، از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تعبیر به «رفقا» شده که به معنای دوستان هم دل و هم راز است. دوستی آنان چنان محکم است که: «گویا یک پدر و مادر، آنان را پرورانده اند؛ زیرا دل های آنان، از محبت و خیرخواهی به یک دیگر، آکنده است

دل‌های نور باران – علی انصاری

پیک-رضوان

تشریه فرهنگی مذهبی بیک رضوان شماره پنجاه سال ۱۳۹۴ شمسی ۱۴۳۶ هجری قمری

ویژه ماه مبارک رمضان

این نشریه حاوی اسماء متبرک است

هیئت تحریریه : برادران صادقی متین – هروی – حجج الاسلام غربیی – فاضلی و خرسندی کاری از کانون فرهنگی و هنری فاطمه الزهرا مسجد آیت الله میلانی و رضویه سبزوارپها اجرا : علی کبکاوسی چاپ : خجسته تیراز : ۱۲۰۰۰ نسخه لطفا نظرات و پیشنهادات خود را در خصوص این نشریه به شماره‌ای زیر پیامک کنید: ۰۹۱۵۱۰۴۸۴۹۴۰۹۱۵۵۱۶۵۸۲۸۰ مکانهای توزیع مشهد : سه راه راه کاشانی زیر زمین مسجد صاحب الزمان علیه السلام ۲ – چهارراه شهدا پاساژ گنجینه فرهنگ (شمیرانی) ۳ – مفتح ۱۴ نبش چهارراه اول ۴ – خیابان آیت الله بهجت بین ۲۷ و ۲۹ Email : payke.rezvan



شهوت بکند. از جمله راهکارهای مؤثر در این زمینه مداومت بر روزه گرفتن است. در روایات در مرحله اول توصیه به ازدواج شده است ولی اگر امکانات ازدواج آماده نباشد، به خصوص برای جوانان به مسئله روزه توصیه شده است، از پیامبر اسلام «صلی الله علیه وآله» نقل شده است:ای گروه جوانان به سراغ ازدواج بروید، پس اگر نتوانستید ازدواج کنید به سراغ روزه گرفتن بروید چه اینکه روزه شهوت را خشک می کند.مشکلات ازدواج مخصوص زمان ما نیست، حتی در صدر اسلام نیز بعضی از افراد برای ازدواج مشکلاتی داشته اند که برای آن‌ها مقدور نبوده است. برای این دسته از افراد مداومت بر روزه گرفتن توصیه شده است:مردی خدمت پیامبر اسلام «صلی الله علیه وآله» آمد و گفت: ای رسول خدا! امکاناتی ندارم تا با زن ان ازدواج کنم، حال به شما از وضع بی همسری خود شکایت دارم، [با نیاز به همسر چه کنم؟] حضرت فرمودند: موهای زائد بدنت را بگذار تا بلند شود و بر روزه گرفتن مداومت بورز. مرد این کارها را انجام داد، در نتیجه هیجان های جنسی اش از بین رفت.

۴- ایجاد روحیه استقامت

انسان در دنیا دائماً در حال مبارزه با مشکلات و سختی های فردی و اجتماعی است. یکی از مهمترین عوامل پیروزی انسان در برابر همهٔ این مشکلات و سختی ها صبر و استقامت است. قرآن کریم در این خصوص می فرماید: ای افرادی که ایمان آورده اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زبیر) خداوند با صابران است. جالب است که در روایات «صبر» در آیه فوق را به روزه تأویل کرده اند، که علاوه بر این معنا که در مشکلات برای حل آن‌ها باید به روزه متوسل شد، به این معنا نیز اشاره دارد که بین صبر و استقامت از یک سو و روزه گرفتن از سوی دیگر سختیتی وجود دارد و در واقع روزه گرفتن نیز عملی است که در آن تمرین استقامت و پایداری صورت می گیرد. در روایتی در این خصوص از امام صادق «علیه السلام» نقل شده است:امام صادق «علیه السلام» در رابطه با گفتار خداوند عزّ و جلّ که می فرماید: از صبر و نماز کمک بگیرید، فرمودند: منظور از صبر روزه است.

۵ – روزه بگیرید سالم می‌شوید.

روایات پر نمودن شکم را موجب فساد بدن و بیماری دانسته‌اند و از سوی دیگر کم غذا خوردن و در واقع به اندازه نیاز غذا خوردن را موجب سلامتی دانسته اند، از جمله روایت ذیل است که از پیامبر اسلام «صلی الله علیه وآله» نقل شده است: از پر کردن شکم بهره‌یزید چه اینکه آن موجب تباهی بدن است و بیماری بر جای می گذارد و موجب کسالت نسبت به عبادت می‌شود، و روایت شده است هر کس غذایش کم باشد بدنش سالم و قلبش با صفا گردد و هر کس غذایش زیاد شود بدنش بیمار و قلبش سنگ شود. بلکه بالاتر از این، منشاء همه بیماری‌ها معده دانسته شده است و در مقابل کنترل میزان غذا اصل دارو بیان شده است. از پیامبر اعظم «صلی الله علیه وآله» نقل شده است: بدان که معده مرکز و خانه هر دردی است و پرهیز آاز غذاهای نامناسب و زیاده خوری، آاساس هر داروی شفابخش است. سایت حوزه علمیه جامع امیرالمومنین – محمد حسین رضاזה

بعضی از آثار و فواید روزه
هدیه الهی بهترین هدیه هاست و برکات متعدد و بی شماری بر آن بار می شود. روزه نیز دارای جهات مختلفی است که هر کدام از آن‌ها می تواند اشتیاق انسان را برای درک و کسب آن برانگیزاند. در ذیل با توجه به روایات برخی از آثار و فواید روزه را مطرح می‌کنیم:

۱ – رضایت و مغفرت خداوند

برای مؤمنین در انجام هر کاری مهمترین امر رضایت خداوند متعال است. روزه از جمله کارهایی است که اگر با نیتی صادق و کامل انجام گیرد، بدون شک رضایت الهی را در پی خواهد داشت. از پیامبر خدا «صلی الله علیه وآله» نقل شده است:

هر کس ماه رمضان را روزه بگیرد و در آن از عمل حرام و اخصوصاً تهمت زدن به دیگران اجتناب کند، خداوند از او راضی شده و بهشت را برای او واجب می‌گرداند. البته باید توجه داشت که انجام روزه کامل کاری است بس دشوار، ولی در عین حال آن قدر مغفرت و رحمت الهی را در پی دارد که باز هم انسان را برای کسب این فضائل مشتاق می‌کند. به این گفتگوی جابر بن عبد الله انصاری با رسول خدا «صلی الله علیه وآله» توجه فرمایید:پیامبر خدا «صلی الله علیه وآله» به جابر بن عبد الله انصاری فرمودند: ای جابر! این ماه رمضان است، هر کس روزه را روزه بگیرد و شیش را در حالی که ورد و ذکر می‌گوید بپادارد و عفت شکم و شرمگاهش را حفظ کند و زبانش را نگه دارد، از گناهانش خارج می‌شود همانگونه که از این ماه خارج می‌شود، جابر گفت: ای پیامبر خدا! [این مطلب] چه گفتار نیکویی است! پیامبر خدا «صلی الله علیه وآله» فرمودند: ای جابر! این شرط ها چه شرط های دشواری است.

۲ – گرسنگی

انسان به جهت چهل خود، از حکمت بسیاری از امور در این دنیا غافل است و همین امر سبب می‌شود که در تشخیص خیر از شر، دچار اشتباه شود. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید:چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است. و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید.به‌طور طبیعی یکی از آثار روزه گرسنگی و تشنگی است و نباید این مسئله را به عنوان یک مشکل و معضل دید و دائماً به دنبال راه هایی خاص بود تا گرسنگی و تشنگی ناشی از روزه را برطرف کرد، چه اینکه قرار است ما بوسیله روزه به میزان مشخصی، مزه گرسنگی و تشنگی را بجشیم و این برای ما خیر است نه شر. در بعضی از روایات حکمت وجوب روزه همین امر دانسته شده است، در روایتی از امام رضا «علیه السلام» آمده است:همانا به روزه امر شده اید تا رنج گرسنگی و تشنگی را بفهمید.

۳ – کنترل غریزه شهوت

پیدا کردن راه حلی مناسب برای کنترل غرایز به خصوص غریزه شهوت یکی از دغدغه های بشر بوده و هست و در این گذر بسیاری به افراط و تفریط کشانده شده اند. اسلام عزیز علاوه بر باز کردن راه ازدواج جهت پاسخ‌گویی قانونمند و بدون ضرر به این غریزه طبیعی و نیز بیان دستوراتی در خصوص پیشگیری، توصیه هایی نیز در رابطه با انجام کارهایی دارد که این امور در کنار سایر امور می تواند کمک شایانی به کنترل غریزه

رمز و راز موفقیت جناب لقمان

جناب لقمان در زمان خود مقام خیلی بزرگی پیدا کرد، اصلاً اینکه ما سوره ای به نام لقمان داریم و بالاتر اینکه خداوند نصیحتهای لقمان را در قرآن بیان کرده است، این ها همه حکایات از بزرگی مقام ایشان می کند. برای بهتر بیان شدن مطلب فرض کنید در یک مجلسی که ۱۰ یا ۲۰ نفر شرکت کردند و فردی در مورد موضوعی صحبت می کند بعد از مدتی متوجه می شوند این شخص صحبتهای مفیدی می گوید. پس از او می خواهند در یک مجلس هزار نفری هم شرکت و صحبت کنند. وقتی بررسی کردند که این مجلس را هم خوب توانست اداره کند، به او پیشنهاد می کنند که در سخنرانی رادیو و تلویزیون هم شرکت کند.در واقع هر چقدر تشخیص می دهندکه صحبت‌هایش بیشتر قابل استفاده است، زمینه بیشتری به او می دهند. البته زمینه هایی که انسانها به یکدیگر می دهند ممکن است اشتباه باشد، مثلاً کسی شایستگی ندارد، مقام او را خیلی بالا می برند و کسی که شایستگی دارد، مقام او را پائین می آورند ولی وقتی خداوند سخنان کسی را در قرآن مطرح می کندکه همه بشریت تا قیامت بهره ببرند پس معلوم می شود آن فرد خیلی فوق العاده است با اینکه خداوند آن سخنان را به لقمان تعلیم داده ولی به نام خود او در قرآن ثبت می شود. خلاصه راه پیشرفت بازاست و حیف است که انسان بتواند به یک کمالی برسد و نرسد، چون بعد انسان غصه می خوردکه عجب راه رشد باز بود ولی ما نتوانستیم استفاده کنیم و رشد برای ما محقق نشد.امام صادق علیه السلام رمز و راز موفقیت لقمان را توصیف فرمودندکه چه عواملی باعث شد جناب لقمان به این مقام برسد: بخدا قسم این درجه و رتبهٔ لقمان که به او حکمت عطا فرمودند بخاطر حسب و نسب نبود، به خاطر اینکه فرزندکیست؟ اجداد او چه کسانی هستند؟ عنوان اجتماعی او چه بود؟ به خاطر زیبایی جسمی نبودکه مثلاً بگویند چون قد خیلی رشیدی داشت یا چهره خیلی زیبایی داشت! چون این ها هیچکدام ملاک ارزش نیست. امام صادق علیه السلام امتیازات اختیاری که انسان می تواند تحصیل کند را فرمودندکه : « لقمان مردی بود که در انجام فرمان خداوند قوی بود.» یعنی قدرتش را در راه اطاعت خداوند بکار می گرفت. وقتی می فهمید مطلبی خواست خداونداست انجام می داد و کوتاهی نمی کرد بلکه با تمام توان سعی می کرد کاری راکه خداوند می پسندد انجام دهد. ما هم می توانیم در اطاعت از امر خدا قوی و جدی باشیم و این امرخدا فرقی نمی کند، واجب باشد یا مستحب. وقتی فهمیدیم خدا چیزی را دوست دارد، محکم پای آن بایستیم . گاهی ممکن است دیگران انسان را مسخره کنند یا متلک بگویند و انسان را منصرف کنند ولی آن انسانی که می خواهد امر خدا را انجام دهد، محکم است و توجه نمی کند. «در راه خدا با ورع بود.» ورع از تقوا بالاتر است. تقوا یعنی پرهیز از حرام، انجام واجبات و ترک محرمات اما ورع یعنی حالتی که انسان از شبهات هم پرهیز می کند.آدم باتقوا اگر مالی حرام باشد به آن نزدیک نمی شود ولی آدم با ورع، اگر شبهه ای هم باشد، احتیاط می کند. ما درمسائلی که مربوط به جسم است معمولاً احتیاط می کنیم و خیلی دقت داریم. مثلاً اگراعلام کنند یک نوع کنسرو مسموم در بازارآمده، اصلاً آن را مصرف نمی کنیم ! یا در مورد واکسن، اگر واکسن نزنیم قطعاً مریض نمی شویم اما احتیاط می کنیم و واکسن می زنیم و یا اگر اعلام کنند که در یک ساختمان تجاری احتمال دارد بمبی کارگذاشته باشند، مردم کار به راست و دروغ آن ندارند و صبر نمی کنند بلکه همه بلافاصله مکان را ترک می کنند و یا اگردر فامیل بچه ای آبله مرغان بگیرد، دیگر کسی بچه اش را آنجا نمی برد و یا اگر کسی ماشین گران قیمتی خریده، ملاحظه می کند و هر جایی ماشینش را پارک نمی کند. آدم با ورع هوای روح و ایمانش را دارد و مراقب است به ایمانش لطمه ای نخورد ولذا احتیاط می کند. انسان باورع اگر احتمال دهد در مجلسی گناه باشد، به آنجا نمی رود یا اگر از خیابانی عبورکند به گناه می افتد، احتیاط می کندو مسیرش را عوض می کند. بنابراین لقمان در راه خدا ورع داشت و حتی از شبهات هم پرهیز می کرد.

ادامه دارد ...

سایت راه روشن

وصیت نامه ی حضرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام

نامه ی ۳۱ نهج البلاغه

فرازی از وصیت آن حضرت به حسن بن علی (علیهما السلام) در آن هنگام که از صفین بازمی گشت در((حاضرین)) نوشته است :از پدری در آستانه فنا و معترف به گذشت زمان ، که عمرش روی در رفتن دارد و تسلیم گردش روزگار شده ، نکوهش کننده جهان ، جای گیرنده در سرای مردگان ، که فردا از آنجا رخت برمی بندد، به فرزند خود که آرزومند چیزی است که به دست نیاید، راهرو راه کسانی است که به هلاکت رسیده اند و آماج بیماریهاست و گروگان گذشت روزگار. پسری که تیرهای مصائب به سوی او روان است ... تو را به ترس از خدا وصیت می کنم ، ای فرزندم ، و به ملازمت امر او و آباد ساختن دل خود به یاد او و دست زدن در ریسمان او. کدام ریسمان از ریسمانی که میان تو و خدای توست ، محکمتر است ، هرگاه در آن دست زنی ؟ دل خویش به موعظه زنده دار و به پرهیزگاری و پارسایی بمیران و به یقین نیرومند گردان و به حکمت روشن ساز و به ذکر مرگ خوار کن و وادارش نمای که به مرگ خویش اقرار کند. چشمش را به فجایع این دنیا بگشای و از حمله و هجوم روزگار و کژتابیهای شب و روز برحذر دار. اخبار گذشتگان را بر او عرضه دار و از آنچه بر سر پیشینیان تو رفته است آگاهی ساز. بر خانه ها و آثارشان بگذر و در آنچه کرده اند و آن جایها، که رفته اند و آن جایها، که فرود آمده اند، نظر کن . خواهی دید که از جمع دوستان بریده اند و به دیار غربت رخت کشیده اند و تو نیز، یکی از آنها خواهی بود. پس منزلگاه خود را نیکودار و آخرت را به دنیا مفروش و از سخن گفتن در آنچه نمی شناسی یا در آنچه بر عهده تو نیست ، بپرهیز و در راهی که می ترسی به ضلالت کشد، قدم منه . زیرا باز ایستادن از کارهایی که موجب ضلالت است ، بهتر است از افتادن در ورطه ای هولناک . به نیکوکاری امر کن تا خود در زمره نیکوکاران در آیی . از کارهای زشت نهی بنمای ، به دست و زبان ، و آن را که مرتکب منکر می شود، بکوش تا از ارتکاب آن دورداری و در راه خدا مجاهدت نمای ، انسان ، که شایسته چنین مجاهدتی است . در کارهای خدایی ملامت ملامتگران در تو نگیرد. و در هر جا که باشد، برای خدا، به هر دشواری تن در ده و دین را نیکو بیاموز و خود را به تحمل ناپسندها عادت ده و در همه کارهایت به خدا پناه ببر. زیرا اگر خود را در پناه پروردگارت در آوری ، به پناهگاهی استوار و در پناه نگهبانی پیرومند در آمده ای . ای فرزند، اگر چه من به اندازه پیشینیان عمر نکرده ام ، ولی در کارهاشان نگریسته ام و در سرگذشتشان اندیشیده ام و در آثارشان سیر کرده ام ، تا آنجا که ، گویی خود یکی از آنان شده ام . و به پایمردی آنچه از آنان به من رسیده ، چنان است که پنداری از آغاز تا انجام با آنان زیسته ام و دریافته ام که در کارها آنچه صافی و عاری از شایبه است کدام است و آنچه کدر و شایبه آمیز است ، کدام . و بدان ، ای فرزند، که بهترین و محبوبترین چیزی که از این اندرز فرا می گیری ، ترس از خداست و اکتفا به آنچه بر تو واجب ساخته و گرفتن شیوه ای که پیشینیان ، یعنی نیاکان و نیکان خاندانت ، بدان کار کرده اند. زیرا، آنان همواره در کار خود نظر می کردند، همانگونه که تو باید نظر کنی و به حال خود می اندیشیدند، همان گونه که تو باید بیندیشی تا سرانجام ، به جایی رسیدند که آنچه نیکی بود، بدان عمل کردند و از انجام آنچه بدان مکلف نبودند، باز ایستادند. پس اگر نفس تو از به کار بردن شیوه آنان سرباز می زند و می خواهد خود حقایق را دریابد، چنانکه آنان دریافته بودند، پس بکوش تا هر چه طلب می کنی از روی فهم و علم باشد، نه به ورطه شبهات افتادن و به بحث و جدل بیهوده پرداختن . ای فرزند، تو را آگاه کردم از دنیا و دگرگونیهایش و دست به دست گشتنهایش . و تو را از آخرت خبر دادم و آنچه برای اهل آخرت در آنجا مهیا شده و برای هر دو مثلهایی آوردم ، تا به آنها عبرت گیری و از آنها پیروی کنی . مثل کسانی که دنیا را به آزمون شناخته اند، مثل جماعتی است از مسافران که در منزلگاهی قحطی زده و بی آب و گیاه منزل دارند و از آنجا آهنگ جایی سبز و خرم و پر آب و گیاه نمایند. اینان سختی راه و جدایی از دوستان و مشقت سفر و ناگواری غذا را به جان بخرند تا به آن سرای گشاده ، که قرارگاه آنهاست ، برسند. پس ، آن همه رنجها را که در راه کشیده اند، آسان شمارند و آن هزینه که کرده اند زیان نهندارند. و برایشان چیزی خوشتر از آن نیست که به منزلگاهشان نزدیک کند و به محل موعودشان درآورد. و مثل کسانی که فریب دنیا را خورده اند، مثل جماعتی است که در منزلگاهی سبز و خرم و با نعمت بسیار بوده اند و از آنجا به منزلگاهی خشک و بی آب و گیاه رخت افکنده اند. پس برای آنان چیزی ناخوشایندتر و دشوارتر از جدایی از جایی که در آن بوده اند و رسیدن به جایی که بدان رخت کشیده اند، نباشد...

نهج البلاغه / نامه ۳۱

وزیر عاقل

پادشاهی را وزیری عاقل بود که از وزارت دست برداشت. پادشاه از دگر وزیران پرسید وزیر عاقل کجاست؟ گفتند: از وزارت دست برداشته و به عبادت خدا مشغول شده است. پادشاه نزد وزیر رفت و از او پرسید از من چه خطا دیده ای که وزارت را ترک کرده ای؟ گفت: از پنج سبب :

اول : آنکه تو نشسته می بودی و من به حضور تو ایستاده می ماندم، اکنون بندگی خدایی می کنم که مرا در وقت نماز حکم به نشستن می کند. دوم : آنکه طعام می خوردی و من نگاه می کردم، اکنون رزاقی پیدا کرده ام که او نمی خورد و مرا می خوراند.

سوم : آنکه تو خواب می کردی و من پاسبانی می کردم . اکنون خدایم چنان است که هرگز نمی خوابد و مرا پاسبانی می کند.

چهارم : آنکه می ترسیدم اگر تو بمیری مرا از دشمنان آسیب رسد، اکنون خدای من چنان است که هرگز نخواهد مرد و مرا از دشمنان آسیب نخواهد رسید.

پنجم : آنکه می ترسیدم اگر گناهی از من سرزند عفو نکنی، اکنون خدای من چنان رحیم است که هر روز صد گناه به اشتباهی کنم و پشیمان شوم، او من را می بخشد.



احکام روزه

سوال : آیا استفاده از عطر ، شامپو ، کرم و رژلب در ماه مبارک رمضان مجاز است ؟

همه مراجع : هیچ یک از موارد ذکر شده روزه را باطل نمی کند ، مگر آنکه رژلب ، وارد دهان شده و فرو داده شود.

سوال : گاهی انسان روزه دار در کنار وسیله نقلیه قرار می گیرد و دود آن به حلق او می رسد آیا روزه اش باطل است ؟

همه مراجع : اگر با این اعتقاد که دود غلیظ به حلقش نمی رسد در کنار وسیله نقلیه بایستد و به طور اتفاق دود به حلقش برسد روزه اش صحیح است .

سوال : هنگامی که روزه می گیرم ، به شدت بدنم سست می شود و نمی توانم کارهایی مثل درس خواندن را انجام دهم ، وظیفه من چیست ؟

همه مراجع : این گونه ضعف و سستی ها تا حدودی لازمه روزه است و برای نوع افراد پیش می آید و به جهتآن نمی توان روزه خورد ، ولی اگر ضعف به قدری باشد که معمولاً نمی شود آن را تحمل کرد ، خوردن روزه اشکال ندارد .

تبصره : البته انسان می تواند در این شرایط به مسافرت برود (حداقل ۲۲/۵ کیلومتر) و روزه خود را بخورد و به وطن برگردد. در این صورت لازم نیست تا اذان مغرب از خوردن و اشامیدن خودداری کند و کفارهِ هم ندارد و بعد از ماه رمضان فقط قضای آن را به جا آورد .

رساله دانشجویی / ص ۱۲۴ و ۱۲۷



زندگی با قرآن : هرچه کنی به خود کنی...

«خیرخواهی» فکری رحمانی و «بدخواهی» اندیشه ای شیطانی است. روحیه محبت و دلسوزی برای دیگران، توصیه خداوند است و روحیه آزار و اذیت دیگران توصیه شیطان. این دو فکر و دو روحیه هردو به سراغ انسان می آید و هر دو را تجربه کرده ایم. گاهی احساس می کنیم از درون تشویق می شویم به همه محبت کنیم، خیرخواه باشیم، گرهِ گشایی و کارراه اندازی کنیم و گاهی وسوسه می شویم با دروغ، خیانت، کم کاری، بدگویی از دیگران و خلف وعده و مانند آن به اطرافیان ضرر بزنیم و البته هروقت تحت تأثیر این وسوسه ها به مال، جان یا آبروی کسی آسیب رسانده ایم بعد پشیمان شده ایم و با خود گفته ایم کاش دست به چنین اقدامی نمی زدم. یکی از راههای محفوظ ماندن از «اذیت دیگران» و پرهیز از ظلم و حق کشی توجه به یک قانون مهم الهی است که در سوره مبارکه فاطر آیه ۴۳ می فرماید: «نقشه های بد تنها دامان صاحبانش را می گیرد» و به تعبیر دیگر هرگز فراموش نکنیم که از قدیم گفته اند: «هرچه کنی به خود کنی». بله توجه به این حقیقت که نتیجه عمل به خودمان برمی گردد بازدارنده خوبی از خطاها و خیانت و ظلم است.

سایت راه روشن



داشتن هدف، یک ضرورت

اولین نکته ای که در این بحث مطرح است توجه به لزوم داشتن هدف در زندگی است. دقت داشته باشید که داشتن هدف در زندگی هرگز یک ترجیح نیست بلکه یک الزام و ضرورت است. شما در هر شرایط، موقعیت و سن و سالی که هستید باید هدف داشته باشید. اینکه شما نوجوانی پانزده ساله و محصل هستید، خانم خانه دار، راننده ی تاکسی و کارمند بازنشسته هستید و یا اکنون هفتادمین سال زندگی خود را تجربه می کنید هیچ تفاوتی نمی کند. در هر صورت باید هدف مند باشید. بخش عمده ای از زندگی، شور و اشتیاق و انگیزه ی تلاش و حرکت به داشتن هدف وابسته است. همان طور که داشتن هدف در انسان انگیزه، نشاط تولید می کند هدف نداشتن نیز باعث بسیاری از کسالت ها، رخوت ها، افسردگی ها، وسواس ها و افکار مزاحم و منفی است. تصور کنید که شما می خواهید به یکی از شهرهای ایران سفر کنید و مشخصاً فردا شب باید در شهر مقصد باشید. همین عاملی می شود که شما به تکاپو بیافتید، برنامه ریزی کنید، لوازم سفر را مهیا کنید و حرکت کنید. تحقیقات نشان داده است %۹۷ مردم جهان هدف ندارند، اگرچه ممکن است خود این طور گمان نکنند. شاید در نگاه اول این طور به نظر برسد که این آمار تا حدودی بد بینانه و غیر واقعی است اما متأسفانه واقعیت دارد و غالب مردم هدف ندارند. خیلی ها این طور گمان می کنند که همین که به کاری مشغول هستند نشانه ی هدف دار بودن آنهاست در صورتی که حرکت های روزانه و اشتغالات روزمره هرگز به این معنا نیست. اینکه شما هر روز به دانشگاه می روید و مشغول تحصیل هستید یا اینکه دبیر یک دبیرستان یا مدیر یک شرکت هستید و یا اینکه در خانه به تربیت فرزند و همسررداری مشغول هستید هرگز به معنای هدف دار بودن شما نیست. هدف موضوعی مشخص، روشن، دقیق و واضح است که قصد آن دارید که تا یک سال، دو سال، و تا پنج سال آینده به آن برسید. اگر شما خود را فردی با هدف در زندگی می دانید اکنون قلم و کاغذی بردارید و صریح و مشخص اهداف یک ساله، دو ساله و پنج ساله خود را بنویسید.

سایت استاد حورایی